

بررسی انقلاب‌های کشورهای اسلامی

با تأکید بر انقلاب اسلامی و انقلاب‌های عربی

سروش امیری*

چکیده

انقلاب یکی از پدیده‌های نادر، جذاب و پیچیده اجتماعی می‌باشد که تبیین آن متضمن در نظر گرفتن وجوه متعدد و متنوع دخیل در ظهور آنست. در اینجا و با توجه به موضوع، صرفاً بر وجوه فرهنگی انقلاب اسلامی اشاره خواهد شد. اصولاً انقلابها در بستر و موقعیت خاصی حادث می‌شوند. در وقوع وضعیت انقلابی، بیداری، بسیج سیاسی توده‌ها، تحرک اجتماعی، مشروعیت زدایی از نظم سیاسی پیشین و طراحی نظم مشروع و مطلوب و استقرار نظام مردمی و انقلابی، ایدئولوژیهای انقلابی به عنوان موتور حرکت انقلاب عمل کرده است.

هدف این تحقیق ضمن بررسی اهمیت انقلاب ایران به مقایسه آن و کشورهای عربی با توجه به ویژگی‌های انقلاب پرداخته و در نهایت به تأثیری که انقلاب ایران بر جریان بیداری اسلامی و اهمیتی که تشیع و رهبری در پیروزی انقلاب دارد، پرداخته شده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ به این سوالات است که عامل و ویژگی اصلی انقلاب ایران کدام بوده است که تأثیر مهمی را بر انقلاب عربی به جا گذاشته است؟ و وجه تشابه و تفاوت انقلاب اسلامی ایران و با انقلاب کشورهای عربی در چه مواردی می‌باشد؟
نوع تحقیق حاضر توصیفی و تحلیلی است که بر اساس ویژگی‌های انقلاب

به اهمیت مفهوم انقلاب ایران و تأثیری که بر بیداری اسلامی دارد به تحلیل بحث پرداخته شده است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش‌های گوناگون و بر مبنای روش کتابخانه ای و اینترنتی صورت پذیرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز عمدتاً با شیوه تحلیل کیفی انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی

انقلاب، بیداری اسلامی، رهبری، ایدئولوژی، توده مردم، تغییر وضع موجود.

مقدمه

انقلاب‌ها معمولاً آثار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی در کشوری که در آن واقع شده اند، در منطقه و حتی در سطح جهانی می‌گذارند. انقلاب‌ها باعث شکل‌گیری دوره جدید زندگی و تفکر در جوامع می‌شوند. این امر خود می‌تواند به شکل‌گیری تمدن و هویتی جدید بینجامد که کمتر ارتباطی با شعارهای انقلابی دارد. به نوعی این از نتایج ناخواسته و مهم انقلاب‌های بزرگ است. انقلاب‌ها در دوره جدید نه فقط موجبات تغییر در ساختار سیاسی را فراهم می‌آورند، بلکه خود به گفتمانی جدید در بازشناسی هویت تاریخی و فرهنگی تبدیل می‌شوند. این دو نتیجه متفاوت و در عین حال مرتبط، نشان از نقش محوری انقلاب‌ها در تاریخ جهان دارد.

انقلاب به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث علوم اجتماعی، بخشی از تئوری‌های علمی را به خود اختصاص داده است. تئوری‌های انقلاب وقایع گوناگون و مختلفی را تعبیر و تفسیر می‌کنند که تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهند و توضیحی منطقی نسبت به علل شکل‌گیری این وقایع ارائه می‌نمایند.

نکته مهمی که باید همواره در تحلیل این پدیده مد نظر قرار دهیم اصل تنوع و کثرت در حدوث و ماهیت انقلاب‌ها می‌باشد. عبارت دیگر هر انقلابی را ماهیتی است که نشانه هویت و نیت مطلوب و مورد توقعش محسوب می‌شود. بنابر این در تحلیل، تبلیغ و معرفی هر انقلابی باید توجه به جمیع جهات رعایت شود و تا حد مقدور با احتیاط در مورد وضعیت کنونی و آینده آن اظهار نظر گردد.

حوادث و دلایلی که جرقه انقلاب ایران را زد، متعدد و متنوع بودند که اگر بخواهیم به علت تاریخی آن بپردازیم، دلایل دینی و اسلامی است که منجر به شکل‌گیری بسیج انقلابی و نهایتاً پیروزی انقلاب ایران شد. در واقع این خواست خود مردم جامعه بود که دست به انقلاب اسلامی و

شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی بزند. از این رو مطالبات دینی و تشکیل حکومت اسلامی زیربنای بسیج و انقلاب ایران بود که پیروزی انقلاب سال ۵۷ تداعی این امر مهم است.

تعریف مفهوم انقلاب

انقلاب از قلب به معنی دگرگونی، زیرو رو شدن، تحول و تغییر است (دکتر معین، ۱۳۶۰). واژه انقلاب در معنای سیاسی آن معادل revolution است، کاربرد جدیدی دارد. در ابتدا این واژه برای حرکت دورانی اجرام آسمانی و گردش ستاره‌ها به دور کره‌ی زمین به کار می‌رفت. «انقلاب شکوه مند» ۱۶۶۸ در انگلستان که منجر به تسلط پارلمان بر مقام سلطنت گردید باعث شد که لفظ انقلاب وارد زبان سیاست شود (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۳۶) و این واژه استعاره به تغییرات بنیادی در ساخت و سازه‌های نظام اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی اطلاق شود.

واژه انقلاب در قرآن نیز آمده است اما نه با محتوا و بار سیاسی. آنجا که می‌فرماید: «فأئن مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرائه شیئاً» (سوره آل عمران، ۱۴۴) آیا اگر پیامبر بمیرد و یا کشته شود به دین اجداد خود بر می‌گردید؟ کسی که به آن بر گردد به خداوند هیچ ضرری نمی‌رساند.» و «یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم فتقلبوا خاسرین» (سوره آل عمران، ۱۴۹) ای مؤمنین در صورتی که از کفار اطاعت کنید شما را به دین اجدادتان باز می‌گردانند، پس بازگشتی زینبار خواهید داشت.»

انقلاب در کنار پدیده‌هایی چون اصلاحات و رفرم‌های اجتماعی، کودتاها، شورش‌های محلی، اعتراض‌های جمعی، قیام‌های توده‌ای و ... مجموعه تحولات و جنبش‌های اجتماعی را شکل می‌دهد که با دو معیار منشأ تحول و شیوه تغییر و دگرگونی می‌توان عناصر این مجموعه را از یکدیگر متمایز نمود.

عموماً در این مورد توافق وجود دارد که واژه انقلاب به گونه‌ای که ما امروزه آن را در علوم اجتماعی به کار می‌بریم نخست در مورد انقلاب فرانسه و تأثیرات عمیق آن بر تاریخ اروپا مورد استفاده قرار گرفته است (زاگورین^۱، ۱۹۷۳: ۴۲). در مورد واژه انقلاب و تعریف آن اتفاق نظری وجود ندارد، انقلاب به معنی حالی به حالی، دگرگون شدن، زیر و رو شدن، برگشتگی و تغییر معنا می‌دهد و در اصطلاح سیاسی، انقلاب به حرکات و شورش‌هایی که منجر به سرنگونی یک حکومت و تشکیل حکومت جدید می‌انجامد اطلاق می‌گردد.

1. zagorin

مفهوم انقلاب مانند ایدئولوژی دارای تعاریف متعدد و متنوعی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

به عقیده مک آیور: انقلاب، تغییرات و دگرگونی‌های سریع در حکومت است که هدفش برانداختن نظام موجود و ساختن نظام نوین است. انفجار نیروهای سرکوفته جامعه که مقاومت سیستم قدیم و وضع موجود را درهم می‌شکنند و با ایجاد تغییرات قاطع در طبیعت حکومت، سیستم جدیدی را جانشین می‌سازند (مک آیور، ۱۳۵۴:۳۲۴).

موریس دوورژه در کتاب اصول علم سیاست معتقد است که انقلاب، سرنگونی یکسره، ناگهانی و خشونت‌آمیز نظم موجود و جایگزین ساختن نظم سراسر نوینی با همان روشهاست (دورژه، ۱۳۶۷:۳۴۵).

به نظر چالمرز جانسون: انقلاب، خشونت‌ی جهت‌دستیابی به یک یا چند هدف زیر است: تغییر در حکومت (پرسنل و رهبری) یا تغییر در رژیم (شکل حکومت و چگونگی توزیع قدرت سیاسی) یا تغییر در اجتماع (ساخت اجتماعی، نظام کنترل مالکیت، سلطه طبقاتی، ارزشهای مسلط و نظایر آن) همچنین تغییر در سیاستهای حکومتی (زاگورین، ۱۹۷۳:۲۶).

هانه آرنه نیز عقیده دارد که: انقلاب، دگرگونی به معنای آغازی تازه است و خشونت در آن برای رهایی از ستمگری به قصد استقرار آزادی است (آرنه، ۱۳۶۱:۴۷).

یکی از معروف‌ترین این تعاریف از آن «ساموئل هانتینگتون» است. به نظر او: انقلاب، تغییر سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزشها و اعتقادات اساسی جامعه، در ساختارهای اجتماعی و نهادهای سیاسی و در اعمال سیاستهای دولت است (هانتینگتون، ۱، ۱۹۶۸:۲۶۴). در این تعریف اولاً ریشه‌های کوتاه مدت یا دراز مدت این «تحول سریع» را مورد توجه قرار نداده است. ثانیاً به سادگی نمی‌توان عمق یک تحول را روشن کرد که آیا بنیادین هست یا نه؟ و یا اینکه این دگرگونی در بسیاری از انقلابات در همه‌ی ابعاد نبوده و انقلابیون معمولاً موفق به تغییر در ابعاد مختلف نمی‌شوند.

استانفورد کوهن: انقلاب، تحولی با ابعاد زیر است: استحاله ارزشها یا دگرگونی اسطوره‌های جامعه، تغییر ساختار اجتماعی، دگرگونی نهادها، تغییراتی در صورت‌بندی رهبری، چه در افراد گروه نخبه حاکم یا در ترکیب طبقاتی آنان، انتقال غیر قانونی یا ضد قانونی قدرت و بالاخره حضور یا حاکمیت رفتار خشونت‌آمیز (کوهن، ۱۳۶۹:۴۲).

گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی معتقد است که: انقلاب، فرایند دگرگونی سیاسی، شامل بسیج یک جنبش اجتماعی توده‌ای است که در آن با استفاده از خشونت، رژیم موجود به طور موفقیت‌آمیز سرنگون می‌شود و حکومت جدیدی تشکیل می‌گردد. انقلاب به دلیل اینکه شامل جنبش توده‌ای است و دگرگونی عمده در نظام سیاسی پدید می‌آورد، از سایر تحولات اجتماعی متمایز می‌گردد (گیدنز^۱، ۱۹۹۳: ۷۶۱).

شهید مطهری نیز معتقد است: «انقلاب نوعی عصیان و طغیان است علیه نظم موجود و وضع حاکم به منظور برقراری نظمی و نظمی مطلوب» (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۴۱)

پس‌این‌ها بر این دیدگاه پدید انقلاب موجب گردید تا در مورد معنی و مفهوم انقلاب همچون دیگر مفاهیم مهم سیاسی و اجتماعی در بین اندیشمندان اجتماعی اختلاف نظر ایجاد شود. علت اصلی این اختلاف نظر را می‌باید در تأکید نویسندگان بر ابعاد متفاوت پدیده انقلاب جستجو کرد.

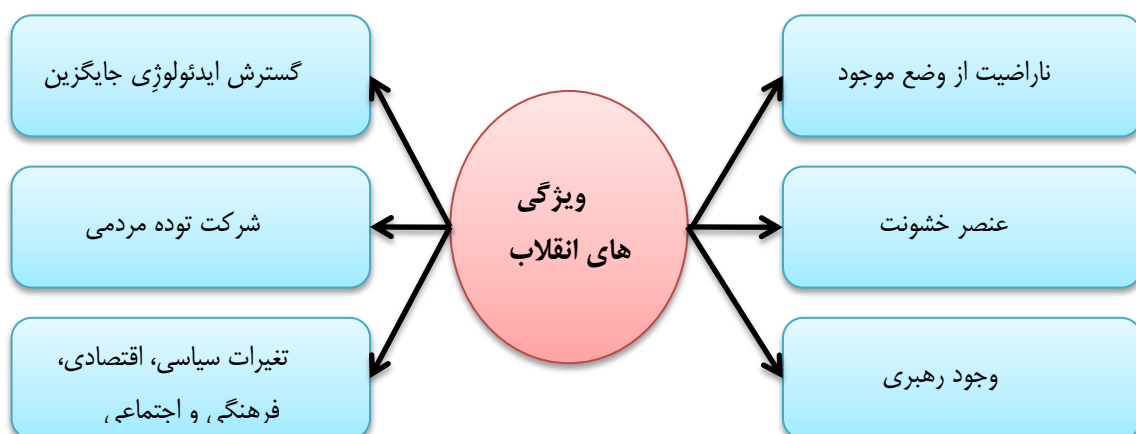
آنچه باید مورد تأکید قرار گیرد این است که پذیرش هر نظریه‌ای در مورد معنای انقلاب - و همیشه هم ممکن نیست مشخص کنیم که چه رویدادهایی انقلاب را شکل می‌دهند ... مگر آنکه در مورد معنای انقلاب، نظریه‌ای را مفروض داشته باشیم - به معنای داشتن موضعی سیاسی است. نظریه‌های انقلابی، چه موافق انقلاب و چه مخالف با آن، کبری قضیه را در طیف وسیعی از قیاسهای منطقی سیاسی بسیار مهم تشکیل می‌دهند. برای کسانی که در جهان واقعی زندگی می‌کنند، مطالعه انقلاب، فارغ از ارزشها منطقی ناممکن است (دان^۲، ۱۹۷۲: ۲).

نتیجه گیری کلی روش شناختی که به آن می‌رسیم این است که پدیده انقلاب در صورت امکان باید به عنوان مقوله توصیفی بیطرف و فارغ از تعصبات ایدئولوژیکی تعریف شود و الا برخی از ویژگیهای جوهری یا اشکال پدیداری آن به شکلی دلبخواهانه از بحث بیرون خواهند ماند (زاگورین، ۱۹۷۶: ۱۴۶).

درباره تعریف، شرایط، زمینه‌ها و علل وقوع پدیده انقلاب دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوتی بیان شده است. این مقاله سعی نموده با در نظر گرفتن این دیدگاه‌ها و توجه به انقلاب کشورهای عربی (بیداری اسلامی) و انقلاب اسلامی ایران چند مورد از مشهورترین ویژگی‌های مشترک انقلاب‌ها را معرفی نماید. این بررسی بر این باور است که همه انقلاب‌ها در اصل وجود این ویژگی‌ها مشترکند هر چند در هر انقلابی ممکن است آنها شکل و چگونگی متفاوتی یافته باشند.

یک انقلاب کامل از آغاز تا فرجام خود حداقل با شش ویژگی و عنصر مهم سر و کار دارد که در

1. Giddens
2. dunn



نمودار ۱- ویژگی‌های انقلاب‌ها

۱- ناراضایتی عمیق و انقلابی از وضع موجود

ناراضایتی انقلابی اولین عنصر دارای نقش در وقوع هر انقلاب و زمینه ظهور و گسترش سایر ویژگی‌ها و شرایط وقوع انقلاب است.

بحث درباره چگونگی ایجاد این شرط از موضوع این بررسی خارج است. در عین حال اجمالاً می‌گوییم که آن طور که انقلاب‌های معاصر نشان می‌دهند و با توجه به اینکه در هر انقلابی دو طرف درگیر وجود دارد - یعنی نیروی اجتماعی (انقلابی) و نظام سیاسی و انقلاب به دلیل ویژگی‌ها، برنامه‌ها و رفتارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دولت و ویژگی‌ها و اقدامات مخالفان به وقوع می‌پیوندند، برای ردیابی چگونگی ایجاد ناراضایتی‌های انقلابی و اینکه چرا مردمی که زمانی طرفدار ثبات بوده و یا از شرایط موجود احساس ناراضایتی نمی‌کردند در زمانی دیگر راه انقلاب را برگزیده‌اند، باید به تاریخ معاصر کشور مورد نظر رجوع کرد و در این راستا، بایستی به دنبال زمان و نقطه‌ای در تاریخ آن کشور گشت که در آن نقطه با اطمینان بتوان گفت که نظام سیاسی از مقبولیت و ثبات کافی برخوردار بوده است تا به ردیابی این موضوع بپردازیم که از آن پس چگونه شد که نهایتاً

مقبولیت و ثبات از دست رفت و نخبگان^۱ و مردم خود را از حکومت کنار کشیدند و باعث وقوع انقلاب شدند. در زمینه یافتن چنین نقطه تاریخی، گاهی ماهیت و شعارهای یک انقلاب می‌تواند به خوبی راهگشا باشد (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۲۴۹).

نارضایتی عمومی، اولین عامل و شرط لازم در وقوع هر انقلابی است. نارضایتی و خشم از وضع موجود و طلب یک وضع آرمانی مطلوب، اساس هر انقلابی به‌شمار می‌آید به گونه‌ای که شناخت عوامل نارضایتی و شناخت آرمان مردم به معنای شناخت خود انقلاب است. اگر نارضایتی پدید آمده عمیق و در برگیرنده تمام یا بخش عظیمی از جامعه باشد و آرمان ایجاد شده واحد و فراگیر و روحیه انقلابی نیز شدید و فراگیر باشد، وقوع انقلاب و پیروزی اجتناب ناپذیر است.

هر چند که نارضایتی اولین عنصر مهم در وقوع هر انقلاب است، اما هرگونه نارضایتی را نارضایتی انقلابی نمی‌گوییم. نارضایتی انقلابی که باید دست کم در بخشی از نخبگان و توده‌ها ظهور کند و می‌تواند در جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یا برخی یا تعدادی از آن‌ها دیده شود، نارضایتی‌هایی است که به حد ناامیدی از بهبودی شرایط و تنفر از شرایط موجود رسیده باشد. ظهور این نارضایتی باعث تغییر در مواضع و رفتار افراد می‌گردد، اما برای دست زدن به انقلاب به سایر شرایط نیز نیاز دارد. نارضایتی انقلابی وقتی بخشی از توده‌ها را فرا گیرد، خود را در شکل اعتراضات، اعتصابات و درگیری‌ها و اقدامات غیر قانونی همراه با شعارهایی در طرد نظام حاکم نشان می‌دهد.

نارضایتی ویژه از وضع موجود در انقلاب اسلامی با شاخص‌هایی مانند تظاهرات، درگیری‌ها و اعتصابات عمومی، تنفر همگانی از رژیم و سقوط پایه‌های اقتدار آن، شعارهای انقلابیان در طرد نظام، گسست و گریز عمومی روشنفکران و کادرهای اداری و ... آشکار بود، بر خلاف همه یا بیشتر انقلاب‌های معاصر، که تنها گروه‌های خاصی در آن‌ها شرکت داشتند، در ایران اکثر قریب به اتفاق جمعیت کشور از رژیم پهلوی ابراز تنفر می‌کردند. اگر بپذیریم که شدت و عمق ناخشنودی به میزان نزدیک بودن آن به جنبه‌های فکری و عقیدتی و در این گستره نیز به ارتباط آن با افکار دارای اصالت فرهنگی قوی وابسته است، می‌توان گفت نارضایتی در ایران از دیگر انقلاب‌های معاصر شدیدتر و عمیق‌تر بود.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ با دفاع قدرتمندانه از انبوه نارضایتی‌های عمومی، گروه‌های گوناگون اجتماعی را با خود همراه کرد، گروه‌های که رهایی بخشی که سال‌های سال در انتظارش بودند، قلمداد می‌کردند

1. elite

(آبراهمیان، ۱۳۸۳: ۶۵۶).

از جمله مواردی که باعث شد انقلاب‌های عربی به دنبال تغییر در وضع موجود باشند عبارتند از:

- سرخوردگی جهان اسلام در برخورد با تجدد و نوسازی غرب؛
- شکست حکومت‌های غرب‌گرا در مسئله فلسطین؛
- انشقاق در جامعه که به دنبال گسترش شهر نشینی و دیوان سالاری غیر سودمند جدید آمد؛
- محدود کردن آزادی‌های مذهبی از سوی حکومت‌های سکولار؛
- تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر برای شیعیان در بحرین
- وابستگی حکومت‌ها به خارج (کشورهای غربی).

۲- گسترش ایدئولوژی (های) جدید جایگزین

هر اندیشه‌ای شامل دو عنصر جهان بینی و ایدئولوژی است. جهان بینی به هست‌ها و نیست‌ها می‌پردازد، در حالی که ایدئولوژی به باید‌ها و نباید‌ها مربوط می‌شود. باید‌ها و نبایدهای سیاسی ممکن است بخشی از ایدئولوژی ناشی از یک اندیشه باشند. در مورد آرمان‌هایی که بر ذهن انقلابیان مسلط می‌شود معمولاً از عنوان ایدئولوژی انقلابی استفاده می‌شود.

تعبیر و تفسیر شرایط موجود جهت تقبیح آن و ترسیم جامعه‌ای بهتر که معمولاً توسط رهبران انقلابی تدوین می‌گردد عناصر اساسی ایدئولوژی انقلابی را تشکیل می‌دهد (گی روشه، ۱۳۷۶: ۱۱۸ - ۹۵). ایدئولوژی ولو مبهم به منازعه انقلابی جهت و معنی می‌بخشد و دورنمای آینده انقلاب را تبیین می‌کند (بشریه، ۱۳۷۴: ۷ - ۶). با توجه به ویژگی‌های بیان شده از انقلاب، می‌توان تفاوت‌های اساسی بین انقلاب، کودتا، شورش، قیام، نهضت، جنبش و اصلاح را مشخص نمود. گسترش و تلاطم اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های جدید پیش از وقوع همه انقلاب‌ها دیده می‌شود و همان‌طور که برخی نظریه پردازان انقلاب گفته‌اند: هیچ انقلابی بدون این گسترش روی نداده است (برینتون، ۱۳۶۶: ۵۴).

«گی روشه» در اثر ارزشمند خود تحت عنوان «تغییرات اجتماعی» تعریفی از ایدئولوژی و نقش اجتماعی آن عرضه می‌دارد: «ایدئولوژی سیستمی از ایده‌ها و تضادهای روشن و صحیح و سازمان یافته است که موقعیت هر گروه یا جامعه را توجیه، تفسیر، تشریح و اثبات می‌کند. این سیستم با الهام و تأثیرپذیری از ارزشها، جهت‌یابی معین و مشخص را برای نقش اجتماعی آن گروه و یا آن جامعه پیشنهاد می‌کند و ارائه می‌دهد.» (گی روشه، ۱۳۷۶: ۸۲).

حال می‌گوییم که ایدئولوژی (های) مربوط به هر انقلابی نقشی مستقیم در چگونگی پیروزی انقلاب، نوع نظام حکومتی جایگزین و حتی مراحل و تحولات پس از پیروزی انقلاب دارد. به عنوان مثال، در انقلاب‌هایی که یک ایدئولوژی واحد اقبال گسترش می‌یابد و به ویژه اگر این ایدئولوژی با تاریخ و فرهنگ آن کشور پیوند خورده باشد، انقلاب زودتر فراگیر شده و بسیج قوی‌تر از توده‌ها را به دنبال می‌آورد. در نتیجه، این انقلاب‌ها سریع‌تر به پیروزی می‌رسند و پس از پیروزی نیز بی‌ثباتی‌های کمتری را تجربه می‌کنند. نمونه این انقلاب‌ها، انقلاب اسلامی ایران است که علی‌رغم سر و کار داشتن با رژیم قوی - که از قدرت نظامی بالایی برخوردار بود و به دلیل ایفای نقش ژاندارمری آمریکا در منطقه، در سرکوبی شورشیان ظفار موفقیت کسب نموده بود و به دلیل گران شدن قیمت جهانی نفت از سال ۱۹۷۳ وضع اقتصادی مناسبی داشت و از حمایت غرب نیز برخوردار بود - توانست طی مدت حدود یک سال و یک ماه (از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) به پیروزی دست یابد. انقلاب به زودی به پیروزی رسید.

یان ریشار^۱ عنوان می‌کند که در انقلاب ایران تشیع از یک باور متعالی به یک ایدئولوژی متعالی رادیکال تبدیل شد و از آن برای مبارزه برسر «هویت» در جهان افسون زده استفاده شد (حدیث انقلاب، ۱۳۷۷:۱۹۰).

در بحث ایدئولوژی و کارکرد آن در انقلاب اسلامی، منظور آن مجموع باورها و اعتقادات و آن نوع نگرش هستی‌شناسانه‌ای است که راهنمای عمل و اقدام در انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد. حمید عنایت یکی از اندیشمندان برجسته و متفکران سیاسی معاصر مقاله‌ای تحت عنوان «انقلاب در ایران سال ۱۹۷۹، مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی» دارد (عنایت، ۱۳۷۱: ۱۰ - ۴).

اما به اعتقاد ما، مهم‌ترین وجه تمایز بخش انقلاب ایران را باید در «گسترده‌گی» بسیج انقلابی و «جوهره دینی» آن جست؛ یعنی در نقش تعیین‌کننده و تمام‌کننده دین به عنوان ایدئولوژی بسیج-گر، رهبری بسیج‌کننده و شبکه و سازمان اداره‌کننده آن. گرچه تعداد صاحب نظرانی که برای دین نقشی از این در انقلاب ایران قائلند نیز کم نیست. اینان دین و انگیزه‌های دینی مردم را در جایگاه عوامل اصلی انقلاب ایران می‌نشانند و از ریشه‌های دینی و فرهنگی. هالیدی یکی از سه خصیصه اصلی انقلاب ایران را گسترده‌گی بسیج توده‌ای آن می‌داند و فوران از به میدان آوردن بزرگ‌ترین جمعیت تاریخ بشری در انقلاب ایران سخن می‌گوید (هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۲ و فوران ۱۳۷۷: ۵۶۷).

ارزش نهادن واقعی به مردم، توجه به نیازهای عالی انسان، حاکم کردن انسان در سرنوشت

1. yann Richard

خویش، ظلم ستیزی و طرفداری از محرومین و ... همه آموزه‌های دینی است که انقلاب اسلامی و انقلاب‌های عربی آنها را بر اساس دستوره‌های دینی در رأس اهداف خویش قرارداد و همینطور نظریات اجتماعی و سیاسی دین را که در طول قرن‌های متمادی مهجور مانده بود جامه عمل پوشانید.

با توجه به اینکه تنها عامل مشروعیت و انسجام در جامعه و نظام قبلی در کشورهای عربی نهادهای پادشاهی بوده که در موقعیت انقلابی بی‌اعتبار شده بودند بنابراین ایدئولوژیهای انقلاب مطرح می‌شوند تا آنکه تجدید بنا و اعمال قدرت دولتی را بر مبنای جدیدی توجیه و استدلال کنند. ضمناً مکاتب مطرح شده به نخبگان انقلابی کمک می‌کند تا انسجام و تشکل لازم را برای حرکت توده‌ها در جهت مبارزات و فعالیتهای سیاسی تحقق بخشند.

دین، قدرت بسیج‌گری خویش را در حرکت‌های توده‌گیر تاریخ میانه به خوبی نشان داده است. این قابلیت و استعداد تا پیش از دوران جدید و فراهم آمدن زمینه و انگیزه‌هایی دیگر برای خیزش‌های عمومی انحصاراً در توان و امکان ادیان قرار داشت. در دوران جدید و عصر پرتراکم انقلابات هم که نقش و اهمیت اجتماعی دین به نسبت گذشته افول چشمگیری یافته و رقباتی قدری به جای آن نشست است، هنوز ادیان، خصوصاً ادیان دارای جهت‌گیری‌های اجتماعی مؤثر، قدرتمندترین جریان بسیج‌گر اجتماعی هستند.

یکی از نکات مهم در بررسی انقلابات اخیر مردم خاورمیانه لزوم عنایت به ارزشهای عربی و اسلامی مشهود در حرکت مردم منطقه در جهت براندازی رژیم‌های سیاسی خود بوده است. امری که در شعارها و تظاهرات مردم نیز جلوه‌ای پر رنگ و کاملاً نمایان داشته است. مسئله این است که سالها بود رژیم‌های عربی از جمله رژیم مبارک در مصر و بن علی در تونس و همچنین در چند کشور عرب دیگر که با اعتراضات مردمی روبرو شدند در راستای گسترش ارزش‌های غربی و سکولاریزه کردن عرصه سیاست، تبعید دین از عرصه اجتماعی و به حاشیه بود.

۳- وجود رهبری برای انقلاب

از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری و کامیابی یک جنبش اجتماعی، رهبری آن جنبش است. مقوله «رهبری» در جریان شکل‌گیری یک جنبش، هیچگاه تعیین‌پذیر و ازپیش طراحی شده نیست، بلکه زمینه‌ها و عوامل گوناگونی در برجسته‌سازی یک گروه، حزب، سازمان و یا یک شخص برای پیشتازی و هدایت آن جنبش، تاثیرگذارند. ازسوی دیگر، رفتار سیاسی رهبر و میزان ظرفیت و

توانمندی او در مواجهه با چالش‌های پی‌درپی و پیش‌بینی نشده فراروی جنبش، نقش اساسی در استمرار و استقرار رهبری یا جابجایی و جایگزینی آن ایفا می‌کند. اگر این جنبش اجتماعی، به یک انقلاب تبدیل شود — آن هم انقلابی فراگیر، همه‌جانبه و بنیادین — حساسیت و اهمیت نقش رهبری و تعامل تدریجی و فزاینده میان آن و نیروی اصلی جنبش بر روند حرکت و آینده انقلاب، به عنصری سرنوشت‌ساز تبدیل می‌شود و مرگ و حیات آن انقلاب به این عنصر پیوند می‌خورد.

نقش و شخصیت رهبر به ویژه زمانی روشن‌تر و برجسته‌تر می‌شود که توسل‌ات ایدئولوژیکی گروه‌های انقلابی پراکنده و غیر منسجم باشد یا سازماندهی آن ضعیف باشد در این صورت نقش و اهمیت رهبری در پروسه انقلابی و در طول زمان توسعه می‌یابد. از طرف دیگر نقش رهبران انقلاب را در سه بعد مهم می‌توان مشاهده کرد که عبارت است از رهبر بعنوان ایده‌تولوگ انقلاب، رهبر بعنوان فرمانده و نهایتاً رهبر بعنوان معمار نظام بعد از پیروزی انقلاب.

نقش رهبری تحریک ناراضیتی از وضع موجود، برانگیختن روحیه انقلابی، بیان و گسترش اندیشه (ها) و ایدئولوژی (های) جدید جایگزین، تنظیم و برنامه‌ریزی راهبردها و تاکتیک‌های حرکت انقلابی، بسیج و به صحنه آوردن توده‌ها، ایجاد نظام سیاسی جدید و تلاش در جهت رساندن جامعه به اهداف و شعارهای انقلاب پس از پیروزی است.

هر چه رهبری انقلاب دارای وحدت بیشتری باشد و هر قدر از نظر فرهنگی و تاریخی اصیل‌تر و ریشه‌دارتر بوده و هر قدر که بیشتر به صورت روزمره در امور عادی با مردم در ارتباط باشد در پیشبرد حرکت انقلابی موفق‌تر و کارآمدتر خواهد بود.

پروفسور تیم نیبلاک^۱ استاد مطالعات خاورمیانه و علوم سیاسی در دانشگاه اکسیترا انگلیس بیان داشته که: این حقیقت که انقلاب اسلامی ایران از میان مردم در خیابان برخاست و نقش امام خمینی در شکل‌گیری این انقلاب از ویژگی‌های این انقلاب هستند (خبرگزاری آفتاب، ۱۳۸۶: ۲). حامد الگار^۲ در کتاب «ریشه‌های انقلاب اسلامی» عوامل مذهبی نظیر تشیع، رهبری امام خمینی و اسلام به عنوان یک ایدئولوژی را عوامل تعیین‌کننده در پیدایش انقلاب برمی‌شمارد. چنانچه نقش رهبری امام در انقلاب از قدرت کاریزمای ایشان نشأت می‌گرفت.

بنا به نظر ماکس وبر، اکثر انقلاب‌های موفق جهان بر اساس تأثیر قدرت کاریزماتیک رهبر انقلاب بر مردم شکل گرفته است. در چنین حالتی، رابطه مردم با رهبر، مبتنی بر احساسات و عواطف است.

1 . Tim Niblock

2. Hamid Algar

بنابراین حتی اگر تصمیمات رهبر چندان پایه معقول و منطقی نداشته باشد، عموم مردم تحت رهبری وی بدون ارزیابی دقیق و عقلانی با شور و اشتیاق از آن پیروی می‌کنند.

اقتدار کاریزمایی مبنای عقلانی یا سنتی ندارد بلکه مبتنی بر رابطه‌ای احساسی و عاطفی است. در اقتدار کاریزمایی سیاستی وجود دارد که براساس آن، مخاطبان شخصیت کاریزمایی وظیفه دارند که او را به عنوان رهبر بی‌چون و چرای خود بپذیرند. رهبر کاریزماتیک موجب تغییر مسیر عادی جهات سیاسی می‌شود و با طرح معنای جدیدی از امور، مشروعیت اقتدار موجود را زیر سؤال می‌برد و با نفی گذشته به نیرویی انقلابی تبدیل می‌شود. کاریزما نیازمند تحرک و جنبشی دایمی است. این نوع اقتدار، در دوره‌های فشار و اضطراب روانی، فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی پیدا می‌شود. نارضایتی اجتماعی - سیاسی با ظهور شخصیتی مقارن می‌شود که خود را حامل رسالتی نوین می‌داند. توان ایجاد رابطه‌ای عاطفی با توده‌ها را دارد و دارای ویژگیهای خارق العاده است، یا پیروان تصور می‌کنند که او چنین ویژگیهایی دارد، نتیجه آن ایجاد تحولات اجتماعی و فکری است.

امام خمینی ره به عنوان رهبری کاریزماتیک، محور و سمبل انگیزه دینی مردم ایران در راستای پیروزی انقلاب بود. رهبر انقلاب به روشنی اهداف انقلابی خود را بدون استفاد و کنایه و صریحاً ارائه نمود و مردم نیز بدون تردید و دو دلی با او هم پیمان شدند. لذا مهمترین وجه غالب انقلاب ایران با کشورهای عربی در همین رهبری امام می‌باشد.

ظهور امام خمینی ره وجدان‌های غربی را تکان داد. غربیان فکر نمی‌کردند که از یک نهاد علمی - سنتی که به گمان آن‌ها یکی از نهادهای جمود و فرورفتن در فضاها علمی و روحی است، مردی بیرون بیاید که انقلابی بزرگ را رهبری کند، دولتی هم آهنگ با زمانه تأسیس کند و غرب را نه تنها محکوم سازد، بلکه با آن از موضع کسی سخن بگوید که رسالتی جهانی را برای همگان به ارمغان آورده است.

یکی از مهمترین ضعف انقلاب‌های کشورهای عربی نبود رهبری می‌باشد برای مثال بعد از سقوط حسنی مبارک اداره کشور به شورای نظامی واگذار شده، در لیبی شورای دولت موقت تشکیل شده که اساس آن سران قبایل می‌باشد همین امر را در کشور بحرین مشاهده که نبود رهبر برجسته در آن احساس می‌شود در ارتباط با یمن این نکته را باید اضافه کرد که عامل اساسی در بن بست رسیدن انقلاب آن‌ها نبود رهبری می‌باشد. در حالی که یکی از ویژگی اساسی انقلاب ایران رهبری مدبرانه امام خمینی ره در قبل و بعد از انقلاب می‌باشد.

در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک فرد روحانی بخوبی توانست مسیر درست

خود را پیدا کند و در مسیر پیروزی گام بر دارد لیکن فقدان رهبرانی مدبر و آگاه در جریان انقلابات عربی کاملاً به چشم می‌آید امری که سبب شد حتی پس از پیروزی انقلاب در مصر و تونس کماکان قدرت در دست بازماندگان نظام پیشین قرار گیرد خصوصاً که این حاکمان دوره گذار و انتقال با مسامحه در برابر ساختار رژیم گذشته که مردم بر علیه آن بپا خاستند همچنان راه را برای دست اندرکاری نیروهای وابسته به رژیم سابق باز گذاردند.

۴- شرکت توده‌ها (مردمی بودن انقلاب)

منازعه انقلابی، منازعه‌ای است که در آن بخش عمده‌ای از جمعیت به صورتی موثر بسیج می‌شوند. ویژگی مشارکت توده‌ای در منازعه انقلابی موجب تمیز انقلاب از منازعات دیگر است. منظور از توده در این جا کلیه گروه‌ها و یا طبقاتی است که جزو گروه یا طبقه حاکمه به‌شمار نمی‌آید و یا به عبارتی دیگر فاقد قدرت سیاسی هستند.

به استثنای کودتاهای نظامی که توسط عده معدودی صورت می‌گیرد در بقیه تحولات سیاسی - اجتماعی نقش مردم به صورت بارز و آشکاری مشاهده می‌گردد. انقلاب نیز که خود متکامل‌ترین انواع تحولات سیاسی - اجتماعی می‌باشد بدون حضور و مشارکت مردم معنا و مفهومی ندارد در حقیقت، یکی از ارکان سه‌گانه انقلاب، حضور فعالانه مردم در صحنه تحولات انقلابی می‌باشد. لذا برخی مکاتب عامل اصلی پیروزی انقلاب را مردم می‌دانند و معتقدند مردم نقش اساسی در این پیروزی خواهند داشت (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۸ - ۱۰۰).

در انقلاب اسلامی ایران به استثنای اقلیت محدودی و بخش اعظم ارتش که وابسته به نظام بودند همه اقشار مردم از همه طبقات و گروه‌های اجتماعی و در سراسر کشور اعم از شهرها و روستاها، کارگران، کارمندان، کشاورزان، اصناف و ... همه و همه چرخهای اقتصادی و اداری کشور را از کار انداخته و در مقابل رژیم تا دندان مسلح آن هم با دست خالی ایستادند و آن را ساقط کردند. با توجه به آن چه گفته شد در بررسی انقلاب اسلامی و با توجه به اینکه بنا به اعتراق اکثر محققین و ناظران، از مردمی‌ترین و در واقع مردمی‌ترین انقلابها بوده است (سائوکاپ^۱، ۱۹۸۲: ۵۷۹). بسیاری از تحلیلگران با توجه به سهیم بودن طیف‌های وسیع در به وجود آمدن انقلاب اسلامی، آن را انقلابی مردم‌گرا^۲ می‌دانند. شکی نیست که با توجه به ائتلاف گروه‌های مختلف مردم و قشرهای گوناگون در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به کار بردن «انقلاب مردم‌گرا» عنوان مناسبی است.

1. Seocope
2. populist

اهمیت مشارکت گسترده توده‌ای و شکل‌گیری بسیج انقلابی به عنوان یک شرط اساسی و مرحله‌ای ضروری برای انقلاب چندان است که در صورت فقدان و یا نقصان در آن، یا انقلابی به وقوع نمی‌پیوندد و یا در صورت تحقق وضع و ماهیت یک انقلاب واقعی را پیدا نخواهد کرد. این ویژگی را نظریه پردازان وجه ممیزه اساسی انقلاب واقعی با کودتا و انقلابات کاخی دانسته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۳:۶۵۲؛ بشیریه، ۱۳۷۴:۶).

اینکه می‌گوئیم وقوع انقلاب بر نقش مستقیم توده‌ها متکی است بدین معنی نیست که زمانی یک حرکت را انقلاب می‌خوانیم که همه یا اکثر توده‌ها در آن شرکت نموده باشند، بلکه باید حداقل بخشی از توده‌ها در انقلاب مشارکت نموده، سایرین نیز عملاً به مخالفت با آن‌ها نپردازند بلکه در مقابل تحولات سکوت نموده و به آن‌ها رضایت دهند.

اساساً مردم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطالعه و تحلیل محسوب می‌شوند و از آن رو که در انقلاب اسلامی ایران گونه متفاوتی از مردم با خواسته‌ها و آرمان‌های متمایزتری از آنچه تا آن زمان تاریخ به خود دیده بود، حضور یافتند، رخنه‌های بزرگی در دستاوردهای این علوم پدید آمد. جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اندیشمندان سیاسی و تحلیل‌گران تحولات اجتماعی، ابعاد متفاوتی را در تحولات ۵۷ ایران مورد مطالعه قرار دادند که در جوامع پیشین مشاهده نکرده بودند. وحدت و خواستی که ناگهان بر پایه آموزه‌های مذهبی در تاریخ ملت ایران پدید آمد چیزی نبود که به آسانی بتوان آن را با ابزارهای سیاسی - اجتماعی امروز تحقق بخشید و در مفاهیم و ساختارهای علوم انسانی و اجتماعی موجود تحلیل کرد و مورد مطالعه قرارداد. اراده جمعی و بسیج فراگیر مردمی آنچنان که در ظهور انقلاب اسلامی و ادامه آن تحقق پیدا کرد، با هیچ یک از ابزارهای سیاسی و اجتماعی امروز شکل نمی‌گیرد (مظاهری، ابوذر، ۱۳۸۴:۷۷).

فوکو در اثری با عنوان ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟ به درستی در این باره می‌نویسد: «امروز این احساسات برای ساقط کردن حکومت‌ها کافی نیست. باید سلاح و ستاد و سازمان و آمادگی داشت. در رویدادهای ایران چیزی هست که مایه تشویش ناظران امروزی است؛ چیزی که نه در چین می‌توان یافت، نه در ویتنام، نه در کوبا؛ موج عظیمی است بدون ابزار نظامی، بدون پیشگام، بدون حزب. رویدادهای ایران از نوع جنبش‌های ۱۹۶۸ هم نیست؛ چون این مردان و زنانی که با سربند و گل تظاهرات می‌کنند یک هدف سیاسی آنی دارند؛ آماج حمله ایشان شاه و رژیم اوست، و به راستی هم این روزها دارند آن را برمی‌اندازند (فوکو، ۱۳۷۷:۴۳).

بنابراین میزان شرکت توده‌ها در انقلاب‌ها متفاوت است: در انقلاب اسلامی ایران اکثر قریب به

اتفاق توده‌ها (شهری و روستایی) شرکت نمودند. در انقلاب بحرین گروه انقلابیون بیشتر شیعیان می‌باشند، نظامیان و سنی‌ها از حکومت آل خلیفه حمایت می‌کنند. در انقلاب مصر تقریباً اکثر مردم شرکت داشتند. در انقلاب یمن بعضی از قبایل همراه مردم شرکت کرده و بعضی از قبایل ساکت بوده و به تحولات رضایت دادند.

دموکراسی و ضرورت اعمال خواست‌های عمومی از مجاری نهادهای مدنی و سیاسی نظیر مطبوعات آزاد و احزاب قوی از خواست‌های مهم انقلابیون عربی می‌باشد. در واقع سالهاست که کشورهای عربی تحت زعامت حاکمان دیکتاتور و غیرمنتخب در رنج بسر می‌برند و تا انقلابات اخیر دموکراسی و نیل به آن در کشورهای عربی سرابی دست نیافتنی نشان می‌داد اما اینک مردم انتظار دارند فضای سیاسی کشورهايشان بر روی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باز شود و نظارت مردمی بر تمام ارکان حکومت به عنوان امری لازمه یک جامعه دموکراتیک مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد.

۵- وجود عنصر خشونت

از آنجا که در چهارچوب قانون حاکم مردم نمی‌توانند به خواسته‌های خود دست یابند و چاره‌ای جز اعمال قدرت سیاسی غیرقانونی علیه حکومت ندارند، مشخصه اصلی انقلاب را خشونت دانسته‌اند. در منازعه انقلابی، نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می‌کنند. لذا انقلاب مبارزه‌ای خشونت بار و کم و بیش طولانی برای قبضه کردن قدرت است که در صورت موفقیت موجب دگرگونی در ساخت و نهادهای سیاسی و گروه حاکمه می‌گردد.

منظور از خشونت مجموعه اقدامات غیرقانونی انقلابیان مانند اعتصابات و تظاهرات غیرقانونی، ترور، زد و خورد با گاردهای حکومتی، شیشه شکستن و غیره و به علاوه، اقدامات حکومت در سرکوبی اعتصابیان و انقلابیان است.

در روند پیروزی انقلاب اسلامی، شاه برای سرکوب قیام مردم دست به اقداماتی از قبیل: زندانی کردن، ترور و تبعید شخصیت‌های انقلابی، تقویت گارد حکومتی و اعمال حکومت نظامی زد و که حوادثی مانند ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور از جمله خشونت‌های رژیم شاه برای عقیم گذاشتن انقلاب بود. میزان خشونت در هر انقلابی بسته به ویژگی‌های فرهنگی مردم، نوع نیروهای مسلح، نوع رژیم-ها و شرایط خاص داخلی و بین‌المللی متفاوت است.

در انقلاب‌هایی که در آن‌ها مردم با بیگانگان درگیر می‌شوند میزان کشته‌ها معمولاً بالاست. به عنوان مثال، در انقلاب بحرین نظامیان سعودی بی‌رحمانه مردم را مورد هجوم قرار می‌دادند در حالی که در انقلاب مصر ارتشیان از سرکوب مردم خوداری کردند.

بعضی انقلاب‌ها نیز ابتدا با خشونت پایین یا اندکی همراه بوده‌اند، اما در مراحل بعدی خود به خشونت زیاد گرایش یافته‌اند. این احتمال وجود دارد که بعد از پیروزی انقلاب در دو کشور یمن و لیبی به علت خوی قبیلگی، خشونت بیشتر و مبارزه برای قدرت بالا و به صورت جنگ قبایل نمود پیدا کند.

۶- تغییر در ساختارهای رسمی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

انقلاب‌ها را به انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی تقسیم کرده‌اند. در انقلاب سیاسی، حداکثر، نوع نظام سیاسی تغییر می‌کند. در این انقلاب‌ها هدف انقلابیان گاه تنها تغییر حکومتگران است و گاه تغییر میزان قدرت ساخت‌ها یا ایجاد یا لغو مقامی در حکومت. اما در انقلاب‌های اجتماعی، علاوه بر تغییر حکومت، در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز تغییرات اساسی روی می‌دهد. حتی در انقلاب سیاسی نیز میزانی از تغییرات در ساخت‌های فوق رخ می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۵۸).

بنابراین در انقلاب‌های اجتماعی، انقلاب با پیروزی بر حکومت پایان نمی‌یابد و در این شرایط دغدغه انقلابیان اجرای آرمان‌های انقلابی خویش است. اما اجرای این آرمان‌ها و تغییرات نیاز به امکانات مختلف و شرایط مساعد داخلی و بین‌المللی دارد و به همین دلیل، کسب اهداف انقلابی به زمانی نسبتاً طولانی نیازمند است و برای این منظور کشتی انقلاب باید بتواند از طوفان حوادث مختلف عبور کند (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۲۵۸).

آنچه همراه با پیروزی انقلاب رخ می‌دهد ایجاد تغییرات سیاسی داخلی و تغییر در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و اعلام استقلال از قدرت‌های خارجی مسلط است. به علاوه، به مصادره اموال حامیان رژیم پیشین یا مصادره سرمایه‌های وابسته به قدرت مسلط خارجی مبادرت می‌گردد. همچنین انقلاب جلوه‌های فرهنگ رسمی رژیم پیشین را طرد می‌کند.

با پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات سیاسی داخلی و تغییر در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی در همه حوزه‌ها صورت گرفت، سیاست خارجی مستقل از شرق و غرب اتخاذ، ایران از بلوک غرب جدا شد و در حوزه فرهنگی دست به استحاله فرهنگ پادشاه و جاری کردن اسلام در سطوح جامعه انجام گرفت و در حوزه اجتماعی تاکید بر آموزه‌های اسلامی به جای علقه‌های غربی مورد توجه قرار

گرفت.

انقلاب رخ داده در کشورهای عربی نیز شاهد تغییراتی در سیاست داخلی و خارجی کشورها و نوعی استقلال از سلطه بیگانگان هستیم به عنوان نمونه کشور مصر با سقوط حسنی مبارک در سیاست خارجی (حمایت ضمنی از فلسطین و ابراز نزدیکی با کشورهای اسلامی از جمله ایران به جای متکی بودن بر غرب) و در بعد داخلی تغییراتی در قانون اساسی انجام داد که حکومت مردمی جای حکومت استبدادی مبارک را گرفت. اما نکته قابل توجه در انقلاب‌های کشورهای عربی چربش تغییرات سیاسی بر دیگر حوزه‌ها می‌باشد.

انقلاب ایران و ویژگی تأثیرگذار آن

بسیاری از صاحب نظران و پژوهشگران، معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های موثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است که این به دلیل ویژگی منحصر به فرد آن می‌باشد که در زیر به آن اشاره می‌شود:

الف. انقلاب اسلامی ایران موتور محرک «بیداری اسلامی» در منطقه

هر چند بیداری اسلامی، پیش از انقلاب اسلامی ایران و در دو سده اخیر در کشورهای مختلف شکل گرفته است، اما اگر منحنی رشد این بیداری را رسم کنیم، حرکت آگاهی بخش امام خمینی را در قله این منحنی می‌توان مشاهده نمود.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کدام حرکت آگاهی بخش انقلاب ایران، موج بیداری اسلامی را در سطح جهان شعله‌ور ساخت؟

پایگاه اصلی انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر «تشیع» است. ولی این انقلاب، وابسته به یک جریان جهانی فراگیر است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی، بیداری امت و هدایت آن تا مرحله رهبری تمدن جهانی است.

یکی از نکات قابل توجه پیروزی انقلاب این است که در جریان انقلاب، بسیاری از افرادی که شناخت عمیقی از اسلام نداشتند، حتی غیر مسلمانان در گوشه و کنار جهان درصدد شناخت ایدئولوژی واقعی اسلام برآمدند. در گوشه و کنار دنیا از مردم مسلمان و محرومان آفریقا، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی، جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه گرفته تا خاورمیانه عربی و سرزمینهای اشغالی فلسطین و جنوب لبنان همه و همه تحت تأثیر مثبت قدرت و ارزشهای انقلاب اسلامی ایران

قرار گرفتند و آثار این تأثیر کاملاً در بعد ایدئولوژیک محسوس و ملموس است.

بیداری اسلامی شرط اولیه موفقیت است ولی تنها و آخرین شرط نیست. چرا که بیداری اسلامی نیاز به دستور و تغذیه دارد. از این رو مهمترین منبع تغذیه و دستور، اسلام است. این ارزش‌ها و اندیشه‌های اسلامی بود که انقلاب ایران را به پیروزی رساند، بهترین نمود برای سازماندهی ارزش‌های اسلامی، مدیریت و رهبری امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بود که در حال حاضر سرآغاز تحولات نوین در جهان اسلام بوده و این خود نوید بخش این مهم می‌باشد که قرن حاضر قرن بیداری جهان اسلام است.

مردم ایران به این نکته پی بردند که برای مبارزه با استکبار و ایجاد زنجیره‌ای از اتحاد و همبستگی جز از طریق توسل به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی میسر نیست، حقیقتی که در حال حاضر مردم جهان به ویژه مسلمانان جهان به آن رسیدند و فهمیدند هر چه که از این زنجیره اتحاد و همبستگی که مبتنی بر اسلام می‌باشد دورتر شوند، بیشتر دچار انحطاط و عقب ماندگی می‌شوند. در نتیجه رمز موفقیت انقلاب و خیزش مردم مسلمان جهان توسل به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است.

بنابراین یکی از مهمترین ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران که تئورسین‌های انقلاب ایران آن را نادیده گرفتند، صدور ارزش و آرمان‌های اسلامی انقلاب به سایر نقاط جهان می‌باشد. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ همواره بر این نکته اساسی تأکید داشتند که معنای صدور انقلاب ما، این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری‌هایی که دارند نجات بدهند. امید می‌رود به برکت انقلاب اسلامی و گسترش روح بیداری و خیزش اسلامی در سراسر جهان اسلام و حتی سایر ملت‌های آزادیخواه، بارقه‌های استکبار ستیزی و ضد استعماری بیش از پیش نمود یابد و سردمداران نظام‌های سلطه ضمن گردن نهادن به خواسته‌های به حق مستضعفان و مسلمانان جهان به خاک مذلت کشیده شوند و ندای الله اکبر در سراسر گیتی طنین انداز شود.

ب). معنویت تشیع و رهبری عامل جهش انقلاب به سمت پیروزی

انقلاب اسلامی ایران بر عکس همه انقلاب‌ها تداوم و توالی بخش مهمی از میراث اسلامی است به یک معنی آغاز این میراث به قرن هفتم میلادی و گشوده شدن ایران به روی اسلام بر می‌گردد و یکی از عوامل مهمی که انقلاب اسلامی ایران را از تمامی انقلاب‌های دگرگون‌ساز دیگر متمایز می‌سازد همین ریشه‌های عمیقی است که این انقلاب در گذشته تاریخی دارد. در واقع اهداف انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱- احیاء و زنده کردن احکام اسلام و اجرای آن

۲- استقرار عدالت اجتماعی

۳- استقرار نظام سیاسی اسلام

۴- تقویت عملی و فرهنگی جامعه

از این رو خواست اصلی مردم ایران در انقلاب رسیدن به جامعه اسلامی بود تا بتوانند بر اساس آن عدالت اسلامی و احکام اسلامی را احیاء و اجرا کنند. شیعه بودن انقلاب و نیز رهبری (آیت الله خمینی) توانست حداکثر افراد را نسبت به تعداد کمی از شعارهای عمومی همچون استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی متفق‌الرأی نماید (عنایت، ۱۳۷۱: ۱۰ - ۴).

از ویژگی‌های رهبری انقلاب ایران آن بود که مبارزه و انقلابش بر پایه دین و معنویت بود و عمل به وظیفه به عنوان یک اصل حاکم اصالت داشت. انقلاب اسلامی با تکیه بر عنصر ایدئولوژی اسلامی و تأکید بر نقش و جایگاه مردم، در مقایسه با سایر انقلابات از ضریب مشروع بودن بیشتری برخوردار است؛ به عبارتی اسلامی بودن ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی انقلاب از یک سو و باورهای مردم و اعتقاد عمیق و اعتماد کامل به مردم و نقش تاریخ‌ساز آنها از سوی امام تقدس و مقام معظم رهبری، ویژگی‌های خص و برجسته انقلاب اسلامی است. این و خصیصه و ویژگی سبب تعمیق مشروع بودن به معنای خاص و دینی آن و مشروع بودن به معنای عام (مقبولیت) شده است. شخصیت امام خمینی تقدس جدا از یک رهبر دینی به عنوان یک مرجعیت دینی بزرگ مورد تقلید مردم به‌شمار می‌رود از این رو پیوند مردم با رهبریت فراتر از یک پیوند ساده است اسلام و تشیع حلقه اتصال مردم با یکدیگر و با مرجعیت دینی آنها بود درواقع، اسلام نه تنها انگیزه‌ای شد تا مردم ایران به خاطر دست‌یابی به آن انقلاب کنند، بلکه تشیع مظهر اراده جمعی گروه بزرگی از مسلمانان شد که از حالت انتزاعی خود خارج شد و عینیت خود را در عالم خارج نشان داد. فرهنگ سیاسی تشیع برخاسته از دو اصل مهم تفکر شیعه یعنی شهادت و غیبت و انتظار فرج است. قبل از انقلاب ایدئولوژی‌های مختلفی مثل (ناسیونالیسم، مارکسیسم و اسلام) وجود داشت. اما ایدئولوژی سوم یعنی اسلام (بر اساس مکتب تشیع) به عنوان یک مذهب و مکتب الهی در اعماق قلب‌ها و جان‌های اقشار مختلف جامعه نفوذ تاریخی داشت. علت عدم پذیرش دو ایدئولوژی دیگر، به دلیل گستره جامعه اسلامی و پذیرش اسلام توسط مردم، مغایرت اساسی آن با اعتقادات مذهبی مردم، ناهمخوانی با ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی و بعضاً مبهم و نامفهوم بودن ادبیات آن‌ها و وابستگی برخی از آن‌ها به کشورهای بیگانه بود. اما اسلام و برنامه‌های فردی و اجتماعی آن برای مردم امری روشن و

همه‌هنگ با اعتقادات آنان بود و حتی مردم سابقه ذهنی مثبتی نیز از نمونه‌هایی از عملکرد سیاسی - اجتماعی علما و برنامه‌ها و دستورات سیاسی - اجتماعی اسلام داشتند و منادیان این جریان نیز خود بومی و از متن مردم بودند. در حالی که، منادیان دو جریان دیگر روشن فکران غربزده‌ای بودند که نه تنها سابقه مثبتی از خود به جای نگذاشته بودند، بلکه تلخی‌های باقی مانده از جریان مشروطه را نیز با خود یدک می‌کشیدند.

انقلاب اسلامی ایران تبدیل به فرصت مناسبی برای آزمودن نظریات موجود در باب انقلاب گشت. پیروزی انقلاب ایران با تکیه بر نیروی تشیع و اسلام سبب شد تا بسیاری از صاحب نظران در نظریات انقلاب خود تجدید نظر کنند و رمز موفقیت انقلاب ایران را مبنای اسلامی تلقی کنند. واقعیت این است که بعد از انقلاب اسلامی ایران، توجه به مقوله دین در مراکز علمی دنیا افزایش یافته است. در میان مواردی که نظریه‌های انقلاب را متأثر ساختند نیز دو گونه مؤلفه و شاخص مشاهده می‌شود: ۱. مؤلفه‌هایی که تا آن زمان در نظریه‌های انقلاب لحاظ نشده بودند و نظریه پردازان، آن‌ها را در ذات انقلاب‌های جهان سوم می‌دیدند. نظریه‌های مزبور عمدتاً با بررسی تطبیقی انقلاب‌های جهان سوم، از جمله انقلاب ایران، آن‌ها را از گونه انقلاب‌هایی نظیر انقلاب فرانسه، روسیه و چین تمایز می‌بخشد و در واقع، کمتر به موارد منحصر به فرد انقلاب ایران توجه دارد. مؤلفه‌هایی که نه تنها در انقلاب‌هایی همچون فرانسه، چین و روسیه یافت نمی‌شوند، بلکه در انقلاب‌های جهان سوم نیز نظیر آن‌ها را نمی‌توان یافت و منحصر به انقلاب اسلامی می‌باشند.

نتیجه گیری

در انقلاب اسلامی ایران مردم با تکیه بر دین و اتحاد با یکدیگر به رهبری امام خمینی توانستند انقلاب خود را به پیروزی برسانند. این وجه از انقلاب و ماهیت دینی آن، آن را به طور جدی با انقلاب‌های پیش گفته متمایز می‌سازد و آغاز دورانی تازه را نوید می‌دهد. پیروزی هر انقلابی به حضور و کاربرد سه رکن انقلاب: مردم، رهبری و ایدئولوژی، بستگی دارد. مرحله مقدماتی هر انقلاب، مشارکت عموم مردم در آن است که به صورت انفجاری در داخل جامعه رخ می‌دهد. چنان چه این مشارکت و حضور، رهبری قوی نداشته باشد و رهبری نتواند این حرکت را به نحو مطلوبی هدایت کند یا نتواند تحرک لازم را در تشکیل نهادهای سیاسی لازم به وجود آورد، به پیروزی انقلاب نمی‌توان امیدوار بود.

انقلاب اسلامی ایران تبدیل به فرصت مناسبی برای آزمون نظریات موجود در باب انقلاب گشت. تابش انقلاب اسلامی ایران بر این نظریات یا تابش این نظریات بر انقلاب اسلامی ایران خروجی‌های جالب توجه و قابل تأملی را به همراه داشت. در نتیجه گذر تئوری‌های انقلاب از منشور انقلاب اسلامی ایران مجموعه‌ای از خروجی‌های نظری پدید آمدند که عبارت بودند از ۱. ناتوانی ایرانشناسان در پیش بینی انقلاب ایران ۲. اسلامی بودن چنین انقلابی ۳. نادیده گرفتن ظرفیت انقلاب اسلامی در صدور انقلاب

در نسبت سنجی «انقلاب اسلامی» و «ایدئولوژی دینی» باید گفت نه تنها رابطه کاملاً مستقیم و معناداری بین این دو متغیر به چشم می‌خورد بلکه ایدئولوژی دینی به عنوان موتور حرکت انقلاب، نقش تاریخ‌ساز و تحول‌آفرینی ایفا کرده است. فراتر از این، ایدئولوژی انقلاب اسلامی را بعضاً به عنوان علت موجه و علت مبقیه انقلاب اسلامی ارزیابی می‌توان کرد.

منابع

۱. آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۳)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران نشر نی.
۲. بریتون، کرین (۱۳۶۶)، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *انقلاب و بسیج سی‌سی‌اسی*، تهران: دانشگاه تهران.
۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۷)، *حدیث انقلاب*، تهران: انتشارات الهدی.
۵. خبرگزاری آفتاب (۱۳۸۶)، «مردمی بودن از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران است»، در سایت:
6. <http://www.aftabir.com/news/view/2008/feb/06/c1c1202300943>
۷. دکتر معین (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی*، ج ۱، تهران، امیر کبیر.
۸. علی بابایی، غلام رضا (۱۳۶۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر ویس.
۹. عنایت، حمید (۱۳۷۱)، «انقلاب اسلامی در ایران ۱۹۷۹»، «مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی»، ترجمه مینا منتظر لطف، *مجله فرهنگ و توسعه*، شماره ۳، سال اول، بهمن و اسفند.
۱۰. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۲)، «سنجش کامیابیها تحلیلی بر دستاوردهای انقلاب اسلامی»، *مجله زمانه*، سال دوم، دی، شماره ۱۶، صص ۴۹ - ۵۵.

۱۱. فوران، جان (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
۱۲. فوکو، میشل (۱۳۷۷)، *ایرانی ها چه رؤیای بی در سر دارند؟*، ترجمه حسین معصومی، تهران، هرمس.
۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۴. گی روشه (۱۳۷۶)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه دکتر منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
۱۵. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاث تهران: نشر علم.
۱۶. محمدی، منوچهر (۱۳۸۸)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *پیرامون جمهوری اسلامی*، انتشارات صدرا.
۱۸. مظاهری، ابودر (۱۳۸۴)، «نظریه های انقلاب و انقلاب نظریه ها»، *مجلسه معرفت*، خرداد، شماره ۹۰، صص ۷۴-۸۷.
۱۹. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۱)، «انقلاب از آغاز تا فرجام: مروری بر ویژگی های هفتگانه مشترک انقلاب ها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)* «پاییز، شماره ۵۷، صص ۲۴۷ تا ۲۶۴.
۲۰. هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران*، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: امیرکبیر.
21. Dunn, John (1972), **modern revolutions: an introduction to the analysis of a political phenomena**, cambridge: cambridge university press.
22. Seocopel, Theda (1982), *Renter State and Shia Islam in the Iranian Revolution* Theory Society, vol. 11, No. 3.
23. Giddens, Anthony (1993). **Sociology**. Cambridge: Polity Press.
24. Huntington, Samuel. (1968). **Political Order in Changing Societies**. New Haven: Yale University Press.
25. zagorin, perez (1973) «theories of revolution in contemporary historiography» *political science quarterly* ,vol. 88 ,1, march .
26. Zagorin, perez (1976), «prolegomena to the comparative history of revolution in early modern Europe», **comparative studies in society and history** ,vol. 81 , 2.